

طرح مسئولیت مدنی آموزگار ناشی از عمل دانش آموز در حقوق ایران همراه با مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه

علیرضا یزدانیان^۱

تاریخ ارسال: ۹۱/۳/۳۱؛ تاریخ پذیرش: ۹۱/۶/۲

چکیده

امروزه خسارات وارد بر دانش آموزان و خسارات ناشی از عمل دانش آموزان، چنان گسترده است که در برخی از کشورها، قسمتی از حقوق مسئولیت مدنی تحت عنوان «حوادث آموزشی» به طور ویژه، به طرق جبران این خسارات می‌پردازد. عمده این خسارات نیز ناشی از تقصیر آموزگاران می‌باشد. در فقه امامیه قرن‌ها پیش به مسئولیت شخصی معلم اشاره شده است. امروزه یکی از مسئولیت‌های خاص، مسئولیت ناشی از عمل غیر است که یکی از اقسام آن، مسئولیت آموزگار ناشی از عمل دانش آموز می‌باشد. بر خلاف حقوق ایران، در قانون مدنی فرانسه به مسئولیت مدنی آموزگار ناشی از عمل دانش آموز نیز اشاره شده و تحولات زیادی نیز در حقوق فرانسه به وقوع پیوسته است. مسئولیت مدنی آموزگار، بسیار وسیع است. در این جا، فقط به مسئولیت وی در خصوص خساراتی که دانش آموز بر دیگری وارد می‌آورد بسنده می‌شود که در این مقاله به شیوه تطبیقی مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

کلیدواژه‌ها: آموزگار، مسئولیت، دانش آموز، دولت، آموزشگاه

۱- مقدمه

طبق بند ۶ ماده ۱۳۸۴ ق.م.ف آموزگاران، در مدت زمانی که دانش‌آموزانشان تحت نظارت و کنترل آنها می‌باشند، مسئول افعال زیان بار دانش‌آموزان می‌باشند. (Fabre-Magnan, 2007, P.310) این مسئولیت، شبیه به مسئولیت صنعتگر در ماده ۱۳۸۴ می‌باشد، ولی از آن متمایز است (Bertolaso, 2009, P.12) مسئولیت آموزگار، به عنوان یک شهروند، دارای بعد وسیعی است که هم در حقوق ایران و هم در حقوق فرانسه، تابع قواعد عام مسئولیت است. اما آنچه در ماده ۱۳۸۴ به عنوان مسئولیت ویژه آموزگار مطرح شده، مسئولیت وی در موردی است که از فعل دانش‌آموز به دیگری خسارتی وارد گردد. مسئولیت مزبور، بر مبنای ظاهر ماده ۱۳۸۴ ق.م.ف می‌تواند دارای دو چهره باشد. از یک طرف باتوجه به قسمتی از ماده ۱۳۸۴ که مقرر می‌دارد آموزگار در مدتی که دانش‌آموز تحت مراقبت وی می‌باشد، مسئول عمل اوست، نشان از این دارد که این مسئولیت نمونه‌ای از مسئولیت ناشی از عمل غیر می‌باشد. از سوی دیگر، با توجه به قسمتی دیگر از ماده ۱۳۸۴ که مقرر می‌دارد تقصیر معلم باید بر طبق قواعد عمومی به اثبات برسد نشان از آن دارد که این مسئولیت می‌تواند مسئولیت ناشی از عمل شخصی آموزگار به حساب آید (Jeannot-Pagès, 1999, P.3). به همین دلیل، به نظر برخی درج چنین مسئولیتی در قسمت مسئولیت ناشی از عمل غیر به شدت مورد انتقاد است. (Jourdain, 2007, P.112) نکته دیگر این که بحث از مسئولیت مدنی آموزگار بر دو رکن کلی استوار است: یکی این که معلم وظیفه آموزش را بر عهده دارد و دیگر این که وی وظیفه مراقبت و مواظبت از دانش‌آموز را نیز بر عهده دارد. تکیه بر همین دو امر است که به مسئولیت مدنی آموزگار چهره‌ای متمایز از دیگر اشخاص می‌دهد. (Jeannot-Pagès, 1999, P.9). در حقوق ایران می‌توان از مقررات کلی احکام مسئولیت مدنی مزبور را استنباط نمود (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۵۵۷ و صفایی.رحیمی، ۱۳۸۹، ص ۲۹۴). در فقه نیز مقررات مربوط به مسئولیت شخصی معلم در مورد معلم شنا مطرح شده (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۱۷۳) و به نظر برخی از فقها در این موارد معلم به دلیل اتلاف، ضامن می‌باشد. (ابن البراج، ۱۴۱۱، ص ۲۱۹ و حلی (محقق)، ۱۴۰۶، ص ۴۹۴) مانند موردی که معلمی طفلی را بزند و طفل فوت کند (ابن البراج، ۱۴۰۶، ص ۴۹۴) به نظر برخی در این موارد معلم در حفاظت از طفل مرتکب تعدی و تفریط شده است (ابن ادریس، ۱۴۱۰، ص ۳۹۹) به زعم فقها خصوصیتی در معلم شنا نیست و همین احکام می‌تواند در مورد هر معلمی جاری باشد (نجفی، ۱۴۰۴، ص ۱۰۶) همچنانکه در فقه نیز این

عقیده وجود دارد که مسئولیت آموزگار منوط به صغیر بودن نیست (مدنی کاشانی، ۱۴۰۸، ص ۹۷) که این احکام در مورد مسئولیت شخصی آموزگار است. اما در مورد مسئولیت آموزگار در خصوص فعل زیان بار دانش‌آموز که موضوع این نوشتار است، مطلب صریحی وجود ندارد و در فقه فقط از عمومات می‌توان حکم این مسأله را به دست آورد. نکته دیگر، این که در ماده ۷ قانون مسئولیت مدنی فقط به مسئولیت سرپرست مجنون و صغیر اشاره شده و شرط اعمال ماده ۷ صغیر یا مجنون بودن فرد است. در حالی که مسئولیت آموزگار ناشی از عمل دانش‌آموز منوط به حجر دانش‌آموز نیست و آموزگار می‌تواند مسئول اعمال دانش‌آموز بالغ و عاقل نیز باشد. نکته دیگر این که اهمیت مطالعه مسئولیت مدنی آموزگار به حدی است که برخی از آن به عنوان «حوادث آموزشی»^۱ یاد کرده اند. (Malaurie.Aynes.Stoffel.) (Munk, 2007, P.79) البته این حوادث دامنه بسیار وسیعی دارد. در این قلمرو، خسارت وارد به سبب فعل دانش‌آموز مطرح می‌شود. خواه این خسارت، به اشخاص ثالث وارد شود یا به دیگر دانش‌آموزان. همچنین خسارات وارد به دانش‌آموزان در این حوزه قابل طرح است. خواه این خسارت به وسیله دیگر دانش‌آموزان به دانش‌آموزی وارد شود یا به وسیله اشخاص ثالث خسارتی بر دانش‌آموزی وارد شده باشد. (Carbonnier, 1998, P.411). مطالعه این حجم عظیم از مسئولیت‌ها از حوصله این نوشتار خارج است. بنابراین، بحث فقط محدود به موردی است که از فعل دانش‌آموز خسارتی به دیگری وارد شود و معلم در نگهداری و مراقبت از دانش‌آموز کوتاهی نموده باشد. به همین دلیل مطالعه سیستم‌های حقوقی حاکی از این است که نوعی تمایل عمومی وجود دارد تا مسئولیت مدنی آموزشی به طور خاص مطالعه گردد.^۲ (Viney Jourdain. 1998, P.1017). از سوی دیگر، مطالعه حقوق کشورهای مختلف دلالت بر این دارد که در سیستم‌های حقوقی فرض تقصیر به ندرت وجود داشته و همه مایل به انداختن بار اثبات تقصیر بر دوش زیان دیده بوده و از سوی دیگر دولت‌ها در مقابل زیان دیده خود را مسئول اعمال آموزگاران می‌دانند (Viney Jourdain. 1998, P.1017). حال با فقدان مقرراتی در این خصوص در حقوق ایران به نظر می‌رسد طرح آن نه تنها از منظر غنی سازی حقوق مسئولیت مدنی ایران ضروری است، بلکه طرح آن می‌تواند تمهیدی باشد تا در آینده قانونگذاران به این مسأله نیز توجه داشته باشند.

1. Des accidents scolaires

۲. در این مقاله فقط مسئولیت معلم به جهت خسارتی که دانش‌آموز به دیگری وارد می‌آورد بررسی می‌گردد.

۲- مسئولیت آموزگار در فقه

۲-۱- مبنای مسئولیت آموزگار در فقه

در خصوص مبنای مسئولیت شخصی معلم برخی به نظریه تقصیر گرایش دارند. (جبعی العاملی، ۱۴۱۳، ص ۳۶۳) برخی هم معتقدند که معلم شنا، مطلقاً مسئولیت دارد. از میان ایشان برخی مسئولیت را مطلق دانسته و بدون ذکر دلیل معلم را ضامن دانسته‌اند^۳ (مکی عاملی، ۱۴۱۴، ص ۴۶۵) خواه، مرتکب تقصیر شده باشد و خواه، خطا، نکرده باشد. چنانچه عده‌ای تصریح کرده‌اند که تفاوتی در تفریط یا عدم آن نبوده و به صراحت آن را ضامن مطلق دانسته‌اند و مسئولیت معلم را شبیه مسئولیت صانع دانسته‌اند که صانع نیز ضمانی مطلق دارد اگر چه تلاش نموده باشد. (جبعی العاملی، ۱۴۱۰، ص ۱۴۹).

عده‌ای نیز اطلاق این مسئولیت را مانند ضمان طیب دانسته‌اند که فقط با کسب براءت می‌توان از آن رهایی جست (نجفی، ۱۴۰۴، ص ۱۰۷). عده‌ای نیز این اطلاق را اینگونه توجیه کرده‌اند که خود غرق، گویای تقصیر است. عده‌ای نیز اصل را بر براءت نهاده‌اند و گفته‌اند که اگر آموزش، مشروع باشد، ضمانی در کار نیست. (نجفی، ۱۴۰۴، ص ۱۰۶) برخی نیز معیار را در قابلیت استناد خلاصه نموده‌اند و معتقدند، برای ضمان معلم خسارت باید به فعل معلم مستند باشد (موسوی خویی، ۱۴۱۰، ص ۱۰۳).

۲-۲- مسئولیت ناشی از عمل دانش آموز

۲-۲-۱- عدم وجود مقرر خاص در فقه

در فقه، نسبت به مسئولیتی که معلم در خصوص خسارات ناشی از عمل دانش آموز پیدا می‌کند نصی وجود ندارد.

۲-۲-۲- قواعد استنباط مسئولیت در فقه

در مواردی که حکم مسأله‌ای به صراحت بیان نشده باشد، مانند مسئولیت معلم نسبت به فعل دانش آموز، فقه ابزارهایی را در اختیار فقها نهاده که به کمک آنها می‌توان حکم قضیه را پیدا کرد. در متون فقهی، مسئولیت یا مبتنی بر ضمان ید است یا اتلاف یا تسبیب. با عدم صدق مسئولیت ناشی از ید ضمانی در این موارد مسأله تابع اتلاف است یا تسبیب. حال در مواردی که مباشرت به تنهایی وجود داشته باشد مباشر ضامن است. اگر هم با واسطه شخصی به دیگری خسارت وارد آورد از باب تسبیب ضامن است. اما اگر دو شخص، یکی از باب اتلاف

و دیگری از باب تسبیب، سبب خسارت دیگری گردند چند حالت قابل تصور است: گاه سبب بر مباشر غالب می‌شود که در این مورد سبب ضامن است. مانند موردی که مباشر صغیر باشد. گاهی نیز سبب مغلوب مباشرت است که مباشر ضامن است. اما با تساوی آنها، قاعده اصلی، تقدم مسئولیت مباشر بر سبب است (طباطبایی، ۱۴۱۸، ص ۴۲۰)، مگر در موردی که سبب اقوی باشد. در موردی که دانش‌آموزی سبب خسارت به دیگری گردد بحث ید ضمانی آموزگار منتفی است. بنابراین، در این موارد دانش‌آموزی مباشرتاً سبب خسارت دیگری شده و کوتاهی معلم در مواظبت و مراقبت از وی نوعی سبب است؛ زیرا همانگونه که فقها ضمان معلم شنا را در ورود ضرر به کودک (ضرر ناشی از غرق شدن) نوعی تسبیب به دلیل کوتاهی و تقصیر در مواظبت و مراقبت از وی می‌دانند^۴ (عمیدی، ۱۴۱۶، ص ۷۵۳). به عبارتی همانگونه که این کوتاهی سبب می‌شود که طفل به خود ضرر وارد آورد، به همان نحو این کوتاهی می‌تواند سببی باشد تا دانش‌آموز، به دیگری خسارت وارد آورد. در این موارد دانش‌آموز مباشر و معلم سبب است که طبق قاعده مباشر ضامن است مگر سبب اقوی باشد. حال اگر به برخی از متون فقهی مراجعه شود در باب سبب اقوی از مباشر یکی از مواردی که فقها سبب را اقوی دانسته‌اند موردی است که مباشر تحت اختیار و کنترل دیگری است، مانند کودک که به قول برخی دلیل آن این است که کودک می‌تواند تحت اختیار و استیلا دیگری باشد به خلاف شخص کبیر. (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹، ص ۳۷) بنابراین، به نظر می‌رسد با توجه به وجود قاعده تقدم مسئولیت مباشر بر سبب و با توجه به این فرمول فقهی که اگر سبب اقوی باشد فقط سبب ضامن است می‌توان نتیجه گرفت که اگر معلمی در مدرسه در نگهداری و مواظبت از دانش‌آموزی مرتکب تقصیر شده باشد (سبب) و کودکی به دیگری خسارت وارد آورد (مباشر) با لحاظ اقوی بودن سبب، معلم مسئول جبران خسارت ناشی از عمل دانش‌آموز می‌باشد. دلیل دیگر این که اگر به قول فقها حدیث شریف منقول از حضرت امام صادق (ع) مبنی بر این که «من اضر بشيء من طریق المسلمین فهو ضامن» قاعده عامی باشد (حلی، (علامه) ۱۴۱۳، ص ۱۲۰) صورت نزاع یعنی مسئولیت معلم به سبب کوتاهی در نگهداری از دانش‌آموز در خسارتی که دانش‌آموز به دیگری وارد آورده مشمول قاعده می‌باشد.

۴. عبارت موجود در کنز الفوائد چنین است: «یضمن معلم لانه تلف بتفریطه فی حفظه و غفله عنه»

۳. عبارت شهید اول چنین است: «یضمن معلم السباحه فی ماله لو غرق الصغیر»

۳- حقوق موضوعه ایران

۳-۱- عدم طرح مسئولیت آموزگار به نحو صریح

مسئولیت شخصی معلم، مشمول ماده ۱ ق.م.م. و قواعد عام مسئولیت مدنی است. اما مسئولیت ویژه آموزگار ناشی از عمل دانش‌آموز به نحو صریحی مطرح نشده است و طرح آن ضروری است.

۳-۲- مفهوم آموزگار و شرایط مسئولیت آموزگار

مفهوم آموزگار نیز در حقوق ایران، مانند فرانسه هر آموزش‌دهنده‌ای است که تا حدودی وظیفه مراقبت و مواظبت از دانش‌آموزی را داشته باشد.

۳-۲-۲- شرایط مسئولیت آموزگار

در حقوق ایران، همه شرایط مسئولیت آموزگار که در فرانسه مطرح خواهد شد قابل پذیرش است. در حقوق ایران نیز با لحاظ ماده ۷ مسئولیت آموزگار منوط به وظیفه مراقبتی است که در خصوص دانش‌آموز بر عهده دارد و شرط سنی برای دانش‌آموز وجود ندارد. همچنین شرط دیگر، اثبات تقصیر آموزگار می‌باشد. همچنین باید رفتار دانش‌آموز نیز مقصرانه باشد که در این مورد نیز در بخش حقوق فرانسه توضیح داده خواهد شد.

۳-۳- مسئولیت شخصی و مسئولیت ناشی از عمل غیر

۳-۳-۱- مسئولیت شخصی

مسئولیت شخصی معلم، تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی است. اگر معلمی به نحو مباشرت سبب خسارت دانش‌آموزی شود، طبق ماده ۳۲۸ ق.م. و اگر به نحو تسبیب باشد طبق ماده ۳۳۱ ق.م. و ماده ۱ ق.م.م. مسئول می‌باشد.^۵

۳-۳-۲- مسئولیت ناشی از عمل غیر

در حقوق ایران، از نظر تحلیلی به نظر می‌رسد در موردی که رابطه شاگرد و معلمی وجود دارد، اما شاگرد مزبور، صغیر نیست، مانند دانش‌آموزان مقطع متوسطه، در صورتی که خسارتی به بار آورند، در بدو امر خود شاگرد مکلف به جبران خسارت

۵. بدیهی است در مورد تسبیب، شرط مسئولیت وی، اثبات تقصیر اوست. به همین دلیل معلمی که هنگام پاک کردن تابلوی کلاسی، سبب گردد که اندکی خاک و گرد گچ به ریه دانش‌آموزی وارد شود، نباید مسئول باشد؛ زیرا هر معلم متعارفی تابلوی کلاسی را به نحو متعارف پاک می‌نماید و اندک گرد و خاک مزبور گریزناپذیر است.

است. در این موارد، نمی‌توان به ماده ۷ ق.م.م. استناد نمود؛ زیرا در ماده ۷ فقط صغیر و مجنون ذکر شده اما از باب قواعد کلی و با توجه به این مسئله که در حقوق مسئولیت مدنی هر شخصی که کنترل و نظارت بر دیگری دارد، مسئول اعمال زیانبار شخص تحت نظارت و کنترل می‌باشد، بعید نیست بتوان معلم را مسئول اعمال دانش‌آموز دانست. در همین مورد هم هست که در حقوق ایران این خلاء وجود دارد و باید مسئولیت مدنی آموزگار، ناشی از عمل دانش‌آموز در قوانین مطرح شود و الا جایی که دانش‌آموز صغیر باشد، مسئولیت معلم می‌تواند مشمول ماده ۷ ق.م.م. باشد.

۳-۴- مسئولیت آموزشگاه و مدیریت آن

۳-۴-۱- مسئولیت مدنی مدیر آموزشگاه

در حقوق ایران، مطالعه آیین‌نامه اجرایی مدارس، نشان می‌دهد که مدیر نیز می‌تواند بر مسئولین فوق، افزوده شود و تحت عنوان مسئولیت ناشی از فعل شخصی یا فعل غیر در مواردی بار جبران خسارت را به دوش کشد. ماده ۲ آیین‌نامه اجرایی مدارس مقرر می‌دارد: «مدرسه زیر نظر مدیر مدرسه اداره می‌شود...» و ماده ۴ آیین‌نامه مزبور نمایندگی و مسئولیت مدیر مدرسه را مطرح نموده و مقرر می‌دارد: «مدیر مدرسه به عنوان نماینده آموزش و پرورش متقصد مسئول حسن اجرای فعالیتهای آموزشی، مالی و اداری مدرسه می‌باشد و در کلیه امور مدرسه مسئولیت دارد...» در این آیین‌نامه زمینه مسئولیت ناشی از عمل غیر نیز در مورد مدیر فراهم شده است؛ زیرا طبق ماده ۷ آیین‌نامه فوق مدیر مدرسه بر دیگران نظارت دارد. حال در زمینه مورد بحث یعنی مسئولیت مدنی مدیر دو نوع مسئولیت قابل تصور است:

اول: مسئولیت ناشی از فعل شخص: در مواردی مدیر مدرسه، خود وظایف و تکالیفی دارد که عدم رعایت تکالیف مزبور، تقصیر است و در صورتی که عدم رعایت تکالیف، سبب ورود خسارت به دیگری شود، مدیر مدرسه، مسئول خطای خود است و این مسئولیت ناشی از فعل شخصی است. به عنوان مثال، طبق ماده ۵۷ آیین‌نامه اجرایی مدارس «مدیران مدارس موظفند برای کمک به ارتقاء سطح بهداشت و سلامت محیط مدرسه بر اموری از قبیل تأمین آب آشامیدنی سالم، نظافت سرویس‌های بهداشتی، توجه به پاکیزگی لباس، بدن، موی سر دانش‌آموزان، تهویه و تأمین رنگ و روشنایی مناسب برای فضای مدرسه و تهیه و توزیع مواد خوراکی در تعاونی مدرسه و استفاده از لباس کار در کارگاهها مراقبت کامل معمول دارند» با قصور در تکلیف در مراقبت اگر خسارتی به شخصی وارد آید، مدیر، مسئولیت مدنی ناشی از فعل شخصی خواهد داشت.

گرچه در مفهوم رایج، آموزگار و معلم به آموزش دهندگان مراحل اولیه تحصیل اطلاق می‌گردد، اما منظور از آموزگار در ماده ۱۳۸۴ و به طور کامل در این قسمت به بعد اندکی وسیع‌تر است (Mazeaud, 1978, P.506). چنانچه معلم هر شخصی است که هنر یا علمی را آموزش می‌دهد، خواه مجانی خواه در مقابل اجرت (Le Tourneau . Cadiet, 1998, P.859). با این وجود توجه به این امر ضروری است که گرچه آموزگار هر شخصی است که عهده دار آموزش علمی از علوم است، اما از زمانی که دانش آموز به سن خاصی می‌رسد که نیاز به آموزش دارد، نباید فراموش نمود که وی هنوز به زندگی اجتماعی احاطه و اشراف ندارد. بنابراین، آموزگاری که وی را آموزش می‌دهد، به نوعی از وی نیز مواظبت و مراقبت نیز به عمل می‌آورد. (عوجی، ۲۰۰۹، ص ۴۲۳) بنابراین، به طور کلی دو شرط برای اطلاق آموزگار و معلم مورد نظر در اینجا لازم است که نشان می‌دهد معنی معلم تا حدودی وسیع‌تر از مفهوم رایج است؛ اول اینکه آموزگار و یا معلم کسی است که علم یا هنری را آموزش می‌دهد. خواه مجانی و خواه در قبال عوض و شرط دوم این است که معلم وظیفه مراقبت و نگهداری از دانش آموز را نیز بر عهده دارد. به همین دلیل، اساتید دانشگاه که در سطوح برتر تدریس می‌نمایند با توجه به اینکه وظیفه مراقبت و نگهداری از دانشجویان را بر عهده ندارند، از شمول واژه معلم خارج می‌باشند (Martini. Losfeld, 2000, P.93 et. Le Tourneau , Cadiet. 1998, P.858)

اخیراً در یکی از آراء دیوان عالی کشور فرانسه، خود مؤسسه به عنوان آموزگار تلقی شده و مسئول دانسته شده است. بر عکس اشخاص دیگری که در یک محیط آموزشی کار می‌کنند، مانند کارکنان کتابخانه یا اعضای اداری به عنوان آموزگار تلقی نگردیده‌اند (Jeannot-Pagès, 1999, P.9). البته برخی از حقوقدانان در حقوق فرانسه، مفهوم وسیعی را برای آموزگار در نظر گرفته‌اند و آموزگار را شامل همه اشخاص دانسته‌اند که در تعلیم و تربیت نقش دارند (Maurie.Aynes.Stoffel-). با این توصیف، به نظر برخی از حقوقدانان متصدیان و مسئولین کانون‌های اصلاح و تربیت نیز مانند آموزگار به شمار می‌آیند (عوجی، ۲۰۰۹، ص ۴۲۵ و عبدالله، ۲۰۰۸، ص ۱۸۹). در این موارد به نظر برخی معلمی که وارد منزل شود و به طفل آموزش می‌دهد، مشمول معلم نمی‌گردد؛ زیرا در این موارد وظیفه مواظبت و مراقبت بر عهده والدین می‌باشد (عبدالله، ۲۰۰۸، ص ۱۸۹). بنابراین، در مورد مفهوم آموزگار توجه به نکات فوق ضروری است.

دوم؛ مسئولیت ناشی از عمل غیر: در مواردی که مدیر، ناظر بر فعالیت کارکنان و معلمان مدرسه است، ممکن است این سؤال مطرح گردد که آیا اگر قصوری از ناحیه کارکنان و معلمان رخ دهد و سبب خسارت دیگری شود، آیا مدیر مدرسه هم مسئول است یا نه؟ به عنوان مثال، ماده ۸۲ آیین نامه اجرایی مدارس مقرر می‌دارد: «مدیر مدرسه موظف است همکاران خود را نسبت به موارد انضباطی آگاه کند و ممنوعیت تنبیه بدنی را تذکر دهد و در صورت مشاهده تخلف، مراتب را جهت اطلاع و اقدام لازم به اداره آموزش و پرورش منطقه گزارش دهد» حال با توجه به این ماده اگر معلمی هنگام تأدیب دانش آموزی، سبب ورود خسارت به وی شود آیا گذشته از معلم، مدیر هم مسئولیت دارد یا نه؟ در پاسخ، به نظر می‌رسد که گرچه در این آیین نامه در خصوص مسئولیت مدیر، ناشی از فعل غیر به نحو صریح، مطلبی وجود ندارد، اما با توجه به قواعد کلی و به خصوص ماده ۱۰ آیین نامه می‌توان مدیر را هم از بابت قصور در نظارت، مسئول خساراتی دانست که کارکنان وی وارد می‌آورند، اگر چه مدیری که خسارات را جبران می‌نماید، باید بتواند به مقصر واقعی مراجعه کند. به عبارت دیگر، در مواردی که مدیر وظیفه نظارت و مراقبت را بر عهده دارد، اگر بتوان نوعی رابطه گماشتگی و تبعیت تصور نمود، می‌توان مدیر را به عنوان متبوع، مسئول عمل کارکنان و تابعین خود دانست. البته این مسئولیت منوط به این است که قصور کارکنان در راستای وظایف محوله باشد. بنابراین، اگر معلم بیرون از محیط آموزشی و با عملی خارج از وظیفه خود، سبب خسارت دیگری شد، طبیعتاً مسئولیت مدیر منتفی است.

۲-۴-۳- مسئولیت مدنی آموزشگاه

در حقوق ایران، نیز آموزشگاه نقش کارفرما را دارد و بین معلم و آموزشگاه رابطه تبعیت و گماشتگی برقرار می‌شود که بر مبنای ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی، طرح مسئولیت آموزشگاه به عنوان متبوع، نسبت به عمل آموزگار به عنوان تابع بعید نیست.

۴- حقوق فرانسه

۴-۱- مفهوم آموزگار و شرایط مسئولیت

آموزگار در حقوق فرانسه

۴-۱-۱- مفهوم سنتی آموزگار

در حقوق فرانسه، منظور ماده ۱۳۸۴ ق.م.ف از «آموزگار»^۶ بسیار وسیع تر از آن چیزی است که در زبان روزمره است؛

6. Instituteur

۲-۱-۴- شرایط مسئولیت مدنی آموزگار

اول- شرایط عمومی مسئولیت

مسئولیت مدنی آموزگار نیز از یک منظر تابع قواعد عمومی مسئولیت مدنی است. یعنی سه رکن شامل وجود ضرر، فعل زیان بار و رابطه سببیت بین فعل زیان بار و خسارت در احراز چنین مسئولیتی لازم است (کاتوزیان، ۱۳۸۶، ص ۲۴۱).

دوم- شرایط اختصاصی مسئولیت مدنی آموزگار ناشی از

عمل دانش آموز

گذشته از شرایط عمومی مسئولیت مدنی، در مورد مسئولیت خاص آموزگار ناشی از عمل غیر، شرایط ذیل نیز لازم است و احراز آنها برای تحقق مسئولیت آموزگار لازم است. یکی از شرایط اعمال ماده ۱۳۸۴ ق.م.ف شرط زمانی است. بنابراین، مسئولیت آموزگار از زمانی است که دانش آموز وارد مؤسسه آموزشی شود و تا زمانی ادامه دارد که از مؤسسه خارج گردد، مگر این که آموزگار پذیرفته باشد، که دانش آموز را تا درب منزل همراهی کند. همچنین، در مواردی که دانش آموز کودکی است که از مؤسسه فرار نموده باشد یا مؤسسه زودتر از موعد تعطیل شود و والدین از این امر اطلاعی نداشته باشند، آموزگار، مسئول است (Le Tourneau, Cadiet, 1998, P.861). حتی لزومی ندارد که خسارت، هنگام آموزش باشد. بلکه پس از اتمام آموزش نیز تا زمانی که در عرف، وظیفه مراقبت بر دوش معلم باشد، آموزگار مسئول است. مانند موردی که پس از اتمام ساعت تدریس، دانش آموزی هنگام پایین رفتن از طبقات در یک آسانسور، متحمل خسارت می گردد. در این میان، سن دانش آموز اهمیت زیادی ندارد، هرچند تقریباً پذیرفته شده است که مسئولیت آموزگار، در متون قانونی مربوط به دوره های آموزشی ابتدایی و متوسطه است و آموزش عالی را در بر نمی گیرد. به دیگر سخن، قانون مدنی فرانسه در مورد مسئولیت والدین بین صغیر و غیرصغیر قایل به تفکیک شده و والدین را فقط مسئول اعمال صغیر می داند. اما در مورد مسئولیت آموزگاران مطلبی ندارد و به زعم حقوقدانان فرانسه شرط سنی برای دانش آموز وجود ندارد و آموزگار نسبت به فعل زیان بار یک دانش آموز بالغ نیز مسئولیت دارد. (منوط به این که در عرف بتوان برای آموزگار تکلیف به مواظبت و مراقبت از چنین دانش آموزی در نظر گرفت) هرچند در عمل مسئولیت آموزگار در مورد دانش آموزان بالغ به ندرت اتفاق می افتد؛ زیرا شخص بالغ کمتر تحت کنترل است و در نتیجه آموزگار نسبت به افراد بالغ گاه وظیفه مراقبت و مواظبت ندارد (عوجی، ۲۰۰۹، ص ۴۲۸ و Le Tourneau, Cadiet, 1998, P.861).

شرط دیگر، مربوط به شرط مکانی است که این شرط وابستگی دانش آموز به محیط آموزشی و مسأله تعلیم و تربیت را نیز نشان می دهد. به همین دلیل، زمانی که کودکی جلوی درب مدرسه، سبب اضرار می گردد ولی وی اصلاً دانش آموز مؤسسه نیست، نباید آموزگار را مسئول اعمال زیان بار وی دانست. بنابراین، دانش آموز باید دارای وصف دانش آموز باشد و به عبارتی تحت مراقبت آموزگار باشد تا بتوان مسئولیت اعمال زیان بار وی را بر آموزگار تحمیل نمود. بنابراین، وظیفه مراقبت و مواظبتی که آموزگار بر عهده دارد، رکن اساسی مسئولیت آموزگار نسبت به عمل دانش آموز می باشد. به همین دلیل، اساتید دانشگاه مسئولیت اعمال دانشجویان را بر عهده ندارند مگر در مواردی که بتوان بر عهده آنها وظیفه مراقبت از دانشجو را بار نمود. مانند آموزش های فیزیکی و جسمی در برخی از ورزش ها که استاد نیز ممکن است در عرف وظیفه مراقبت و مواظبت از دانشجو را بر عهده داشته باشد. شرط دیگر، اثبات تقصیر آموزگار می باشد؛ زیرا صرف ارتباط خسارت با محیط آموزشی کافی نیست تا آموزگار، مسئول باشد. بلکه زیان دیده باید رفتار مقصرانه آموزگار را به اثبات برساند (Jeannot-Pagès, 1999, P.7). این تقصیر نیز یا عدم مراقبت است یا مراقبت ناقص و ناکافی است (Le Tourneau, Cadiet, 1998, P.860). به نظر برخی، شرط دیگر این است که باید رفتار دانش آموز نیز مقصرانه باشد تا بتوان مسئولیت را بر دوش آموزگار نهاد (Fabre-Magnan, 2007, P.312). و گرنه آموزگاری که از افعال عادی دانش آموزی ممانعت به عمل نمی آورد، تقصیری در مراقبت و مواظبت به آموزگار، منسوب نیست (Le Tourneau, Cadiet, 1998, P.861).

همچنین برخی معتقدند، آموزگار فقط مسئول حوادثی است که برای وی قابل پیش بینی بوده است (Le Tourneau, Cadiet, 1998, P.861). که این شرط در مسئولیت قراردادی و قهری مشترک است (غمامی، ۱۳۸۸، ص ۴۰). به عنوان مثال، در یک مورد در حقوق فرانسه دانش آموزی به دنبال توپی در حال دویدن بوده است که به پای دانش آموز دیگری برخورد می کند و به زمین می افتد، نظر داده شد که این حادثه برای معلم غیرقابل پیش بینی بوده است. این نظر نیز داده شده است که وقتی دانش آموزان، همدیگر را هل می دهند، امر غیرقابل پیش بینی نیست. با این وجود، اگر فاعل فعل زیان بار مرتکب تقصیر عمد یا بسیار سنگین شده باشد، مسئول جبران خسارت است، اگرچه خسارت را پیش بینی نکرده باشد (Viney, 1988, P.433).

۲-۴- مسئولیت مدنی آموزگار ناشی از عمل غیر

در مواردی دانش آموزی در محیط آموزشی سبب ورود خسارت به دیگری می‌گردد، که طبق ماده ۱۳۸۴ ق.م.ف مسئولیت معلم ناشی از عمل غیر، مطرح می‌گردد (Mazeaud, 1978, P.506). به همین دلیل، بند ۶ ماده ۱۳۸۴ ق.م.ف مقرر می‌دارد که معلمان مسئول خساراتی هستند که به سبب عمل دانش‌آموزان در زمانی که تحت نظر آنها هستند، وارد می‌شود و منظور از مسئولیت خاص آموزگار نیز همین مسئولیت است که موضوع این نوشتار می‌باشد.

۳-۴- مبنای مسئولیت آموزگار

در قانون قدیم فرانسه، مبنای مسئولیت مدنی آموزگار تقصیر مفروض می‌بود. اما در قانون سال ۱۹۳۷ با اصلاح ماده ۱۳۸۴ بند ۸ ماده مزبور مبنای مسئولیت آموزگار از «تقصیر مفروض» به نظریه «تقصیر» مبدل شد (Bacache-Gibeili, 2007, P.212). این تقصیر معمولاً کوتاهی در مواظبت از دانش‌آموز می‌باشد. البته واژه «مواظبت» چنان مبهم است که می‌توان هر نقص و کوتاهی در مراقبت و بی‌احتیاطی را مشمول تقصیر در مواظبت دانست. به نظر برخی، امروزه مدارس محیط چندان آرام و ساکتی نیستند و این می‌طلبد تا تکلیف مراقبت و مواظبت از دانش‌آموزان، دایمی و مستمر باشد (Jeannot-Pagès, 1999, P.10). به همین دلیل، حتی عدم اقدامات احتیاطی، می‌تواند تقصیر به شمار آید. به عنوان مثال، در حقوق فرانسه کودکی به زمین افتاد و وی را در وضعیتی یافتند که آستین لباس وی در حالت نامناسبی قرار داشت، و به همین دلیل، آموزگار، مسئول دانسته شد؛ زیرا وی باید اقدام احتیاطی را در مرتب نمودن لباس دانش‌آموز به عمل می‌آورد. حتی در حقوق فرانسه دادن اطلاعات از وقایع از تکالیف آموزگار تلقی شده که در صورت کوتاهی در دادن اطلاعات، معلم، مقصر است. به عنوان مثال، گفته شده که معلمی که والدین را از خسارتی که برای کودک پیش آمده مطلع نمی‌کند، سبب فوت شانس وی در امر معالجه شده و از این باب، مسئول تلقی گردیده است. همچنین، زمانی که معلم فرار کودک یا غیبت غیرموجه وی را به‌طور سریع به والدین گزارش ندهد، مرتکب

۳-۱-۴- عوامل مؤثر در ارزیابی تقصیر آموزگار

یکی از مباحث حقوق مسئولیت مدنی در حقوق فرانسه، شیوه ارزیابی تقصیر معلمین است. گذشته از این امر که این تقصیر دارای مفهوم نوعی است و معیار آن مقایسه رفتار خواننده دعوی با آموزگاری متعارف است (Le Tourneau . Cadiet, 1998, P.860). به نظر برخی از نویسندگان فرانسوی، باید عوامل دیگری را نیز در این ارزیابی مورد توجه قرار داد. عواملی مانند سن دانش‌آموز، میزان تبعیت و عدم تبعیت از معلم و حتی شرایط و اوضاع و احوالی که دانش‌آموز در آن شرایط تحت تربیت والدین بوده است، باید مورد لحاظ قرار گیرد. حتی میزان دخالت معلم، در یک فعالیت می‌تواند بر بار اثبات تقصیر مؤثر باشد. به عنوان مثال، زمانی که فعالیتی یا یک ورزشی از سوی معلم سازمان‌دهی شده و نظارت و فرماندهی آن فعالیت با معلم باشد، آسان تر می‌توان وی را مقصر دانست. اما زمانی که فعالیتی از سوی خود دانش‌آموزان سازمان‌دهی شده و یا دانش‌آموزان به مقرراتی که معلم در مورد آن فعالیت وضع نموده، احترامی نگذارند، احراز تقصیر، تا حدودی دشوارتر است. یکی دیگر از نکاتی که باید در ارزیابی تقصیر آموزگار مورد ملاحظه قرار داد، کیفیت توجیه رابطه آموزگار و دانش‌آموز است؛ زیرا این امر بدیهی است که آموزگار بر دانش‌آموز «اقتدار»^۷ دارد. از این رو در ارزیابی تقصیر آموزگار برای بررسی میزان اقتداری که آموزگار بر دانش‌آموز دارد و به عبارت دیگر برای ارزیابی میزان تبعیتی که دانش‌آموز از آموزگار دارد، باید سن دانش‌آموز را نیز در نظر گرفت. به همین دلیل به نظر برخی از نویسندگان در نظر گرفتن سن دانش‌آموز می‌تواند گاهی به معافیت آموزگار و گاهی به مسئولیت وی منتهی گردد؛ زیرا دانش‌آموز هر چه از نظر سن کوچک تر باشد، بهتر قابل کنترل است و تبعیت بیشتری از معلم دارد و اقتدار معلم بر وی بیشتر است. در حالی که با بالا رفتن سن و رسیدن به مرز نوجوانی، مواظبت و مراقبت از نوجوانان اندکی دشوار است. بنابراین، سن دانش‌آموز به خودی خود، عاملی برای معافیت یا عدم معافیت آموزگار نیست و در هر حال این بررسی اوضاع و احوال است که برحسب مورد نشان می‌دهد، آموزگار مرتکب تقصیر شده است یا نه (Jeannot-Pagès, 1999, P.11). حتی در ارزیابی تقصیر معلم باید به وضعیت جسمانی دانش‌آموز نظر داشت. فعالیت یا ورزشی که ممکن است برای دانش‌آموزی بی‌خطر باشد ممکن است برای دیگری پرخطر به شمار آید (Le Tourneau . Cadiet, 1998, P.860).

۸. بدیهی است، که با فرض تقصیر تا حدودی مسئولیت معلمین سنگین می‌نمود و کم‌کم این اندیشه شکل گرفت که ناچار باید اصلاحاتی در حقوق مسئولیت مدنی در این زمینه صورت گیرد. این وضعیت، همراه با تفسیر ناصحیحی که گاهی در برخی از محاکم نسبت به ماده ۱۳۸۴ ق.م.ف ارائه می‌شد، قانونگذار را مجبور به مداخله در مسئولیت معلمین و آموزگاران نمود. به‌خصوص به دنبال خودکشی معلمی که مسئولیت بر وی تحمیل شده بود، قانون ۱۸۹۹ تصویب شد.

تقصیر شده است (Jeannot-Pagès, 1999, P.11). در مواردی بی توجهی معلم به وضعیت خطرناکی که برای دانش آموزی وجود دارد، نوعی تقصیر در نگهداری به حساب آمده است.^۹ اگر به دکتین فرانسه نیز مراجعه شود، نوعی تمایل به مسئول دانستن آموزگاران قابل استنباط است. چنانچه به نظر برخی اگر مسئولیت آموزگار منوط به اثبات تقصیر توسط زیان دیده یا قائم مقام وی باشد، در عمل به آسانی مسئولیت مدنی آموزگار، منتفی می گردد. بنابراین، به نظر برخی با وجود قانون مدنی فعلی فرانسه که بار اثبات تقصیر را بر دوش زیان دیده نهاده، اشکالی ندارد که دکتین یا رویه قضایی، اماره‌ها یا فروعی را در مورد تقصیر آموزگار به وجود آورد. چنانچه در موردی که خسارتی به وسیله دانش آموزی وارد شود، فرض «تقصیر و کوتاهی در نگهداری و مواظبت»^{۱۰} آسان ترین راه حل است. همچنین در موردی که خسارتی به دانش آموزی وارد شود فرض «تقصیر و کوتاهی در حمایت»^{۱۱} از دانش آموز راه حل چندان سختی نیست (Carbonnier, 1998, P.412).

می تواند به جبران خسارت زیان دیده منتهی شود؛ زیرا در مواردی که کودکی به آموزشگاهی سپرده شود و کودک سبب خسارت می شود و تقصیر آموزگار یا مدیر آموزشگاه به اثبات نمی رسد، با مسئول دانستن آموزشگاه به عنوان یک شخصیت حقوقی موجود در حقوق خصوصی یا عمومی، می توان از تضییع حق زیان دیده جلوگیری نمود. در مورد آموزشگاه های خصوصی به نظر می رسد آسان تر بتوان چنین آموزشگاه هایی را مسئول دانست؛ زیرا اگر بتوان آموزشگاه را متبوع و آموزگار را تابع دانست (Carbonnier, 1998, P.411). در این صورت، مسئولیت مدنی آموزشگاه تابع بند ۴ ماده ۱۳۸۴ ق.م.ف خواهد شد که کارفرما یا متبوع را مسئول عمل کارگر یا تابع خویش دانسته است.^{۱۲}

۵- مقایسه حقوق ایران و فرانسه

۵-۱- موارد مشابه در دو نظام حقوقی

با مطالعه وضعیت تقریباً مشابه حقوق فرانسه و ایران و با لحاظ مسبوق بودن مسئولیت شخصی آموزگار در میان فقها، به نظر می رسد با وجود عدم تصریح در حقوق ایران، اما با لحاظ کلیت

۱۲. البته در حقوق فرانسه، بر حسب این که آموزشگاه عمومی یا خصوصی باشد، آثار متفاوتی به پار خواهد آمد. در مورد آموزگاران بخش خصوصی، زیان دیده، می تواند به خود آموزگار مراجعه نماید و این دعوی تابع شرایط عمومی (Fabre-Magnan, 2007, 312) که در کنار معلم، دانش آموز نیز می تواند مسئولیت داشته باشد. در این موارد، اگر دانش آموز، صغیر غیر ممیز نباشد آموزگار پس از جبران خسارت زیان دیده، می تواند به دانش آموز مراجعه نموده و خساراتی را که به زیان دیده داده است، از دانش آموز اخذ کند؛ زیرا اگر دانش آموز، صغیر غیر ممیز باشد، معلم سبب اقوی از مباشر است (عبدالله، ۲۰۰۸، ص ۱۹۲). البته طبق فرمان ۲۲ آوریل ۱۹۶۰ اگر بین آموزشگاه خصوصی و دولت قرارداد همکاری و مشارکت باشد، آموزشگاه خصوصی تابع مقررات آموزشگاه های عمومی است (Carbonnier, 1998, p411). در مورد آموزگاران بخش دولتی نیز قانون ۲۰ ژوئیه ۱۸۹۹ دولت را به جای آموزگار مسئول دانسته است. بنابراین، زیان دیده فقط باید به دولت رجوع کند (Fabre-Magnan, 2007, p312). این مقررات با محدود نمودن دامنه قواعد عمومی مسئولیت مدنی دو نتیجه مهم دارد: نتیجه اول این که معافیت شخصی آموزگاران را به دنبال دارد و زیان دیده نمی تواند به آموزگار مراجعه کند (Jourdain, 2007, p112) ولی دولت پس از پرداخت می تواند به آموزگار مراجعه نماید. نتیجه دوم این که به جای آموزگاران، دولت مسئول است. در این جا دو مورد را باید از همدیگر جدا نمود: ۱- وقتی دعوی با اثبات خطای آموزگار بر مبنای تقصیر شخصی وی باشد زیان دیده فقط به دولت مراجعه نمی نماید و نمی تواند آموزگار را طرف دعوی خویش قرار دهد؛ زیرا دعوی در صلاحیت محاکم قضایی است نه اداری و دولت پس از جبران حق مراجعه به آموزگار مقصر را دارد (Carbonnier, 1998, p413). ۲- وقتی دعوی بر مبنای تقصیر اداری بر علیه دولت باشد، مانند نقض در محل آموزش یا عیب در مواد آموزشی که لزومی به اثبات تقصیر آموزگار نیست و دعوی در صلاحیت محاکم اداری است نه قضایی (Carbonnier, 1998, p413).

۴-۴- مسئولیت آموزشگاه و مدیریت آن

۴-۴-۱- مسئولیت مدنی مدیر آموزشگاه

گذشته از مسئولیت دانش آموز و آموزگار، مدیر و ناظر آموزشگاه نیز می توانند مسئول باشند (عوجی، ۲۰۰۹، ص ۴۲۵)

۴-۴-۲- مسئولیت مدنی آموزشگاه

تحولات اخیر حقوق مسئولیت مدنی به خصوص تحولات ناشی از رای «بلیک» در حقوق فرانسه که سبب ایجاد قاعده عمومی مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر شده است، برخی از حقوقدانان را به طرف این عقیده سوق داده که بعید نیست آموزشگاه نیز نسبت به عمل کودکانی که به آنجا سپرده شده اند، مسئول جبران خسارت باشد (Hauser, 2009, P. 314 et) (Viney, 1995, P.294 et Hauser, 2005, P. 58). در مواردی که آموزشگاه دولتی باشد، دولت نیز، تحت شرایطی می تواند مسئولیت داشته باشد (Hauser, 2005, P. 585). به نظر می رسد این ایده در جهت حمایت از زیان دیده است و پذیرش آن

۹. به عنوان مثال در یک مراسم جشنی در مدرسه که توسط آموزگاران بر پا شده بود، برخی از دانش آموزان در هنگام رقص روی میز رفته و یکی از دانش آموزان از پنجره باز به بیرون پرتاب می شود. معلم که در هنگام حادثه در حال فیلم برداری از دیگر دانش آموزان بوده، مسئول جبران خسارت شمرده شد و دادگاه عدم دقت به وضعیت خطرناک که برای دانش آموز پیش آمده را، نوعی تقصیر از سوی معلم تلقی نموده بود. (Jeannot-Pagès. 1999/11)

10. Défaute de surveillance
11. Défaute de protection

مورد بحث قرار گرفته است. در حالی که مسئولیت مدنی آموزگار، ممکن است نسبت به دانش‌آموزان بالغ و عاقل و رشید نیز مطرح باشد. از سوی دیگر، در دیگر سیستم‌های حقوقی دولت‌ها نیز به عنوان تضمین‌کننده جبران خسارات، می‌توانند حمایت‌های جدی نسبت به زیان دیدگان به عمل آورند. در حالی که در حقوق ایران، در شرایط فعلی و با لحاظ ماده ۱۱ ق.م.م امکان مسئول دانستن دولت منتفی است. در این موارد وضعیت زیان دیده چندان مطلوب نیست؛ زیرا در مواردی که دانش‌آموزی صغیر بوده و به آموزشگاه می‌رود با ماده ۷ ق.م.م معلم ضامن است. اما به محض این که از حالت صغیر بیرون آمده و بالغ شد، از یک طرف از شمول ماده ۷ خارج می‌گردد. از سوی دیگر، مسئولیت مدنی آموزگار ناشی از عمل دانش‌آموز در حقوق ایران مطرح نشده و از سویی با لحاظ ماده ۱۱ ق.م.م دولت نیز ضامن نیست. بدیهی است که اغلب دانش‌آموزان نوجوان هم هنوز چندان تمکن مالی قوی برای جبران خسارات ندارند و در این موارد خسارت زیان دیده، بدون جبران باقی می‌ماند. در حالی که اگر مسئولیت ناشی از عمل غیر بر مبنای تقصیر آموزگار در امر نگهداری و مواظبت مطرح گردد، تضمینی است برای زیان دیده تا با عدم جبران خسارت مواجه نگردد. بدیهی است این مسئولیت نیز گرچه به ظاهر، ناشی از عمل غیر می‌باشد، اما در واقع نوعی مسئولیت ناشی از عمل شخص است؛ زیرا معلم با ارتکاب تقصیر در امر نگهداری و مواظبت گویا خسارت ناشی از تقصیر خویش را جبران می‌سازد. بنابراین، از قانونگذار انتظار می‌رود تا با توجه به سابقه طرح مسأله در فقه، نسبت به تدوین مقرراتی در این زمینه اهتمام ورزد؛ زیرا مسأله مسئولیت آموزگار چنان اهمیتی دارد که در متون فقهی نیز مسأله خاصی به آن اختصاص داده شده است و جداگانه آن را مورد بحث قرار داده اند. از سویی مطالعه فقه نشان می‌دهد که در فقه نیز ابزارهایی برای پاسخ به مسئولیت آموزگار ناشی از عمل دانش‌آموز وجود دارد و این می‌تواند که مقنن با استمداد از فقه و به کمک حقوق تطبیقی مسأله مزبور را در قوانین نیز منعکس نماید.

۷- منابع و مآخذ

اول: منابع فارسی

- ۱- بادی، حسن، (۱۳۸۴)، «فلسفه مسئولیت مدنی»، ج ۱، شرکت سهامی انتشار.
- ۲- صفایی، سید حسین، رحیمی، حبیب الله، (۱۳۸۹)، «مسئولیت مدنی (الزامات خارج از قرارداد)»، ج ۱، سمت.

ماده ۷ ق.م.م بتوان مسئولیت آموزگار را در مورد دانش‌آموز صغیر مشمول ماده ۷ دانست. مبنای مسئولیت نیز در هر دو نظام حقوقی با نظریه تقصیر سازگار می‌باشد. شرایط این دو مسئولیت نیز یکسان است. علت این تشابه نیز در این است که مسئولیت آموزگار از نظر طبقه بندی در دسته مسئولیت مراقب نسبت به عمل تحت نظارت قرار می‌گیرد، که مصداق اعلاای این مسئولیت را باید در ماده ۷ ق.م.م جستجو نمود. در این صورت، در هر دو نظام حقوقی مبنای شرایط و آثار مسئولیت یکسان خواهد بود.

۲-۵- موارد متفاوت در دو نظام حقوقی

در ماده ۷ ق.م.م مسئولیت سرپرست محدود به مسئولیت سرپرست صغیر یا مجنون شده است. در نتیجه، اگر دانش‌آموزی صغیر باشد تا زمانی که در محیط آموزشی است تحت سرپرستی آموزگار می‌باشد. اما نسبت به دانش‌آموز بالغ دیگر در حقوق ایران نصی نیست و مشمول ماده ۷ نیز نمی‌باشد. در عین حال، در مواردی در عرف چنین دانش‌آموز بالغی هنوز نیازمند مراقبت و مواظبت آموزگار می‌باشد. مانند یک دختر ده ساله که گرچه بالغ است و مشمول ماده ۷ نیست ولی در عین حال، هنوز از نظر عرف باید تحت مواظبت و مراقبت باشد. بدیهی است در چنین مواردی به ماده ۷ یا ۱۲ قانون مسئولیت مدنی نمی‌توان استناد نمود؛ زیرا چنین شخصی کودک نیست و مشمول ماده ۷ نمی‌باشد. از طرفی بین این شخص و معلم رابطه کاری نیست و معلم کارفرمای وی نمی‌باشد و مشمول ماده ۱۲ نمی‌باشد. حال، در این موارد در عمل هم چنین دختری اصولاً فاقد اموال است تا خود خسارات را جبران کند. به همین دلیل در این موارد در حقوق فرانسه آموزگار یا دولت مسئول می‌باشند. اما در حقوق ایران نه مسئولیت والدین قابل تصور است و نه مسئولیت آموزگار مطرح شده و نه می‌توان به استناد ماده ۱۱ دولت را مسئول دانست؛ زیرا با توجه به ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی در صورت خطای معلم خود معلم ضامن است نه دولت. در نتیجه، خسارت زیان دیده قابل جبران نمی‌باشد. همین تفاوت‌ها اقتضاء دارد تا مسئولیت آموزگار به نحو خاصی در حقوق ایران نیز مطرح گردد.

۶- نتیجه

در حقوق کشورهای دیگر، مسئولیت مدنی آموزگار به‌طور ویژه مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. در حالی که در حقوق ایران، این مسأله مطرح نشده است. از سوی دیگر تکیه بر ماده ۷ ق.م.م نیز نمی‌تواند جوابگوی معضلات و حوادث آموزشی باشد؛ زیرا در ماده ۷ فقط مسئولیت مدنی سرپرست «صغیر» و «مجنون»

۳- قاسم زاده، سید مرتضی، (۱۳۸۴)، «مبانی مسئولیت مدنی»، ج ۱، نشر دادگستر.

۴- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، (۱۳۸۶)، «الزام‌های خارج از قرارداد»، ج ۱، ج ۸، انتشارات دانشگاه تهران.

دوم: منابع عربی

۵- ابن البراج، قاضی عبد العزیز، (۱۴۱۱)، «جواهر الفقه»، ج ۱، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم.

۶- ابن البراج، قاضی عبد العزیز، (۱۴۰۶)، «المهذب»، ج ۲، ج ۱، جامعه المدرسین.

۷- ابن ادریس، محمد بن منصور بن احمد، (۱۴۱۰)، «السریر الحاوی لتحریر الفتاوی»، ج ۳، ج ۲، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم.

۸- جعفی العاملی، زین الدین، (۱۴۱۳)، «مسائلک الافهام الی التنتیج شرایع الاسلام»، ج ۱۵، ج ۱، مؤسسه المعارف الاسلامیه.

۹- جعفی العاملی، زین الدین، (۱۴۱۰)، «الروضه البهیة فی شرح الملمعة الدمشقیة»، ج ۱۰، ج ۱، نشر کتابفروشی داوری، قم، ایران.

۱۰- حلی (محقق)، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن، (۱۴۰۸)، «شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام»، ج ۴، ج ۲، مؤسسه اسماعیلیان.

۱۱- حلی (علامه) حسن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۴۲۱)، «تلخیص المرام فی معرفة الاحکام»، ج ۱، قم، ایران، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۱۲- حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر، «تحریر الاحکام»، ج ۱، ج ۱، مؤسسه آل البيت، بی تا.

۱۳- حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر، «تحریر الاحکام»، ج ۲، ج ۱، مؤسسه آل البيت، بی تا.

۱۴- حلی، (علامه) حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، ۱۴۱۰، «ارشاد الاذهان الی احکام الایمان»، ج ۲، ج ۱، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.

۱۵- حلی، (علامه) حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، «قواعد الاحکام فی معرفة الحلال و الحرام»، ج ۳، ج ۱، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.

۱۶- حلی، (علامه) حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، (۱۴۱۳)، «مختلف الشیعة فی احکام الشریعة»، ج ۹، ج ۲، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.

۱۷- طباطبایی، سید علی بن ابن معاذ، (۱۴۱۸)، «ریاض المسائل»، ج ۱۶، ج ۱، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم.

۱۸- طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن بن علی، (۱۳۸۷)، «المبسوط فی فقه امامیه»، ج ۷، ج ۳، المكتبة المرتضویه.

۱۹- عاملی، جواد بن محمد حسینی، بی تا، «مفتاح الکرامه فی شرح قواعد

العلامة»، ج ۱۰، ج ۱، مؤسسه دار الاحیاء التراث

۲۰- عبدالله، الدكتور هدی، (۲۰۰۸)، «الاعمال غیر المباحة»، ج ۳، ج ۱، منشورات الحلبي الحقوقیه.

۲۱- عمیدی، سید عمید الدین عبد المطلب بن محمد، (۱۴۱۶)، «کنز الفوائد»، ج ۳، ج ۱، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.

۲۲- عوچی، مصطفی، القانون المدنی، (۲۰۰۹)، «المسئولية المدنیة»، ج ۲، ج ۴، منشورات الحلبي الحقوقیه.

۲۳- مدنی کاشانی، حاج آقا رضا، (۱۴۰۸)، «کتاب الديات»، ج ۱، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۴- مکی عاملی، شمس الدین محمد، (۱۴۱۴)، «غایة المراد، فی شرح نکت الارشاد»، ج ۴، ج ۱، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

۲۵- موسوی بجنوردی، حسن بن آقا بزرگ، (۱۴۱۹)، «قواعد الفقهیه»، ج ۲، ج ۱، نشر الهادی، قم.

۲۶- موسوی خوبی، سید ابوالقاسم، (۱۴۱۰)، «تکملة المنهاج»، ج ۲۸، نشر مدينة العلم، قم.

۲۷- نجفی، محمد حسن، (۱۴۰۴)، «جواهرالکلام»، ج ۴۳، ج ۶، مکتبه الاسلامیه.

سوم: منابع فرانسوی

28- Bacache-Gibeili (Mireille), 2007, Droit civil. Les obligations. La responsabilité civile extracontractuelle. T.5. 1é.éd. Economica.

29- Benabent.Aiain. 2007. Droit Civil.Les Obligations.11é. éd. Montchrestien.

30- Carbonnier.Jean, 1998, Droit civil.les obligations. T.4.21é.éd. presses universitaires de France.

31- Canin.Patrick, 2007, Droit civil.Les obligations. 3 é.éd.Hachette supérieur.

32- Fabre-Magnan. Muriel,2007, Droit des obligations.T.2(responsabilité civile et quasi-contrat)1e. ed.pressés universitaires de France.

33- Jourdain. Patrice, 2007,Les principen de la responsabilité civile.7é.ed. Dalloz.

34- Le Tourneau (Philippe) Cadiet(Loic) , 1998, Droit de la responsabilité. 1é.éd.Dalloz.

35- Malaurie(Philippe)Aynes (Laurent) Stoffel-Munk (Philippe) ,2007, Droit Civil. Les Obligations. 3é.éd. Defrenois.

36- Martini)philippe(Losfeld)karine) , 2000, Droit des obligations.1é.éd.librairie vuibert

d'enseignement et sorties éducative"s. AJDA

43- Hauser. Jean, 2009, " Assistance éducative: la garde des mineurs unifiée par les jurisprudences judiciaire et administrative". RTD Civ.

44- Hauser. Jean, 2005, " Assistance éducative; responsabilité de l'Etat auquel un mineur est confié". RTD Civ.

45- Jeannot- Pagès. Ghislaine, 1999, " DROIT À RÉPARATION. - Responsabilité fondée sur la faute. - Responsabilité des instituteurs". Responsabilité civile et Assurances.

46- Jourdain. Patrice, 2003, "La responsabilité des père et mère: une responsabilité principale et directe, indépendante de celle du mineur". Recueil Dalloz

47- Radé. Christophe, 2005, DROIT À RÉPARATION. Responsabilité du fait d'autrui. Principe général. Responsabilité civile et Assurances.

37- Mazeaud. (Henri. Léon. Jean), 1978, Leçons de droit civil. T.2. volume premier. Obligations. 6éd.éd. par François Chabas. Paris. Montchrestien.

38- Viney. Geneviève, 1995, Traité de droit civil. Introduction à la responsabilité. 2é.éd. librairie générale de droit et de jurisprudence.

39- Viney. Genevieve, 1988, Traité de Droit Civil. Les obligations. La responsabilité. librairie générale de droit et de jurisprudence. 1 é.éd.

40- Viney. Genevieve. Jourdain. Patrice, 1998, Traité de Droit civil. Les conditions de la responsabilité civile. 2é. éd. Librairie générale de Droit et de Jurisprudence

چهارم: مقالات فرانسوی

41- Bertolaso. Sabine, 2009 , DROIT À RÉPARATION. - Responsabilité du fait d'autrui. - Domaine: responsabilité des artisans. Responsabilité civile et Assurances.

42- Fialaire. Jacques, 2000, " Responsabilité en matière

Archive of SID